

## عوامل و زمینه‌های اختلاف و تفرقه در جامعه از دیدگاه نهج البلاغه

حجت الاسلام والمسلمین وحید خورشید\*

### اشاره

از مواردی که در آیات قرآن و روایات بدان تأکید شده است، اهمیت اتحاد و ارزش همکاری و یکپارچگی مسلمانان و جامعه اسلامی است؛ بر همین اساس تفرقه و پراکندگی آنان به شدت نکوهش شده است. دین اسلام، رمز وحدت و یکپارچگی ما و ریشه اخوت اسلامی را می‌آموزد؛ همچنین می‌آموزد که اگر دچار اختلاف و پراکندگی شدیم، چگونه ذلت و ضعف دامنگیرمان می‌شود و ارزش و اعتبار و عزت‌مان را از بین می‌برد. از آنجاکه نقش اتحاد و انسجام امت اسلامی در زندگی اجتماعی مردم بسیار مؤثر است، مسلمانان در زیر سایه اتحاد می‌توانند به هر هدف عالی و کار بزرگی که بخواهند، با پیروزی و سرفرازی دست یابند. همچنین در سایه وحدت بین مسلمانان است که می‌توان افزون بر حفظ دین اسلام، انسجام در جامعه اسلامی ایجاد کرد؛ امام علیه السلام در نامه ۶۲ نهج البلاغه می‌فرماید:

فَأَمْسِكْ بِيَدِي حَتَّى رَأَيْتَ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ يَدْعُونَ إِلَى مَحَقِّ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَخَشِيتُ إِنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ ثُلْمًا أَوْ هَدْمًا تَكُونُ الْمُصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ مِنْ قُوَّةِ وَلَايَتِكُمُ الَّتِي إِنَّمَا هِيَ مَتَاعٌ أَيَّامٍ قَلِيلٍ يَزُولُ مِنْهَا مَا كَانَ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ - [وَأَوْ كَمَا يَتَقَشَّعُ السَّحَابُ فَتَنْهَضُ فِي تِلْكَ الْأَحْدَاثِ حَتَّى زَاخَ الْبَاطِلُ وَزَهَقَ وَاطْمَأَنَّ الدِّينُ وَتَنْهَتَ: ۱]

از مداخله در کار دست نگاه داشتم تا آنکه مشاهده نمودم گروهی از اسلام باز گشته،

\* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۳۰۸.

عوامل و زمینه‌های اختلاف و تفرقه در جامعه از دیدگاه نهج البلاغه ■ ۷۵

و مردم را به نابودکردن دین محمد صلی الله علیه و آله دعوت می‌کنند. ترسیدم اگر به یاری اسلام و اهلس برنخیزم، رخنه‌ای در دین بینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من بزرگ‌تر از فوت شدن حکومت بر شماست؛ حکومتی که متاع دوران کوتاه زندگی است و همچون سراب از بین می‌رود یا همچون ابر از هم می‌پاشد. بنابراین در میان آن فتنه‌ها قیام کردم تا باطل از بین رفت و نابود شد و دین به استواری و استحکام رسید.

عوامل و زمینه‌هایی وجود دارند که اتحاد و انسجام و وحدت را در بین جامعه اسلامی، به تفرقه و اختلاف و ازهم‌گسستگی تبدیل می‌کنند. امام علی علیه السلام برای آشناسدن مردم با زمینه‌های تفرقه‌ها گرفتاری مسلمانان در این زمینه‌ها، به تشریح و تبیین ریشه‌های اختلاف و تفرقه می‌پردازد که به عوامل درونی و بیرونی مرتبط هستند. در این نوشتار به مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های تفرقه بر اساس نهج البلاغه اشاره می‌شود.

### مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های تفرقه در جامعه اسلامی

عوامل زیادی در ایجاد تفرقه و جدایی در جامعه اسلامی تأثیرگذارند که در این نوشتار به عوامل و زمینه‌ها و ریشه‌های اختلاف و تفرقه در نهج البلاغه پرداخته می‌شود.

#### الف) پلیدی درون و سوءنیت

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۱۳ بعد از اشاره به مبنای دین بر برادری، بر پلیدی درون و سوءنیت اشاره می‌کنند که سرچشمه تفرقه و اختلاف در جامعه دینی است و می‌فرمایند: «إِنَّمَا أَنتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الصَّمَائِرِ فَلَا تَوَازُونَ وَ لَا تَنَاصَحُونَ وَ لَا تَبَادُلُونَ وَ لَا تَوَادُّونَ...»<sup>۱</sup> شما بر مبنای دین خدا برادر هستید؛ چیزی جز آلودگی درون‌ها و بدی نیت‌ها شما را از هم جدا نمی‌کند؛ به این لحاظ یکدیگر را یاری نمی‌دهید و خیرخواهی نمی‌کنید و به هم بذل و بخشش ندارید و با یکدیگر دوستی نمی‌کنید».

این تعبیر اشاره روشنی به این حقیقت دارد که حب دنیا، خبث باطن و سوء نیت و اخلاق نه تنها آخرت را بر باد می‌دهد، بلکه صحنه جامعه بشری را کانونی از ناامنی و انواع نزاحم‌ها و کشمکش‌ها می‌سازد که در آن خبری از همدلی و محبت و همکاری و صمیمیت نیست.<sup>۲</sup> عمل نکردن به این دستورات، اساس وحدت واقعی در جامعه را فرو می‌ریزند و جامعه‌ای

۱. همان، ص ۱۶۸.

۲. ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۵، ص ۷۴.

سرد، خودخواه و پراکنده را به دنبال دارد.

بنابراین حضرت با تشریح عوامل و زمینه‌ها و پیامدهای تفرقه و اختلاف، پلیدی درون و سوءنیت را یکی از زمینه‌های پراکندگی و اختلاف در جامعه اسلامی دانسته است که باید با تعاون، خیرخواهی صادقانه و ایثار و مهرورزی با مردم، به وحدت حقیقی و دینی در جامعه اسلامی رسید. درحقیقت تفرقه در جامعه اسلامی، می‌تواند ناشی از فساد درونی و اخلاقی باشد که درمان آن تزکیه نفس، تصفیه نیت‌ها و بازگشت به وجدان‌های پاک است.

### ب) خودرأیی سرچشمه اصلی اختلاف

یکی از عوامل اختلاف و تفرقه در جامعه اسلامی، خودرأیی و اعتماد به آرای باطل خود است. امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خویش مردم را به دلیل اختلاف در دین و اعتماد بر آرا و عقاید باطل و پیروی نکردن از پیغمبر و امام سرزنش می‌کند و می‌فرماید:

فَيَا عَجَبًا وَمَا لِي لَا أَعْجَبُ مِنْ خَطَا هَذِهِ الْفِرَقِ عَلَى اخْتِلَافِ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا لَا يَفْتَتُونَ أَثَرِ نَبِيٍّ وَلَا يَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ وَلَا يَعْقُونَ عَنْ غَيْبٍ يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا وَالْمُنْكَرِ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْرَعُهُمْ فِي الْمُغْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَتَغْوِيْلُهُمْ فِي الْمُهَمَّاتِ عَلَى آرَائِهِمْ كَأَنَّ كُلَّ امْرٍئٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسِهِ قَدْ أَخَذَ مِنْهَا فِيمَا يَرَى بِعُزَى ثِقَاتٍ وَ أَسْبَابٍ مُحْكَمَاتٍ<sup>۱</sup>

عجبا، چرا در عجب نباشم از اشتباه‌کاری‌های این فرقه‌ها با اختلاف دلایلی که در دینشان دارند؟! از اثر هیچ پیامبری پیروی نمی‌کنند. و به عمل هیچ جانشینی اقتدا نمی‌کنند و به هیچ غیبی ایمان نمی‌آورند و از هیچ عیبی عفت نمی‌ورزند. به شبهات عمل می‌کنند و در شهوات سیر می‌نمایند. معروف در میان آنان چیزی است که خود معروف دانند و منکر نزدشان همان است که خود منکر می‌دانند. پناهگاهشان در مشکلات خودشان هستند و اعتمادشان در امور مبهم بر رأی و نظرشان است. گویی هر کدام از آنان امام خود است و هر شخصی گمان می‌کند در آرائش به ریسمان‌های محکم و سبب‌های استوار چنگ زده است.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام تصریح می‌کنند ریشه اصلی اختلاف، خودرأیی و خودمحوری در فکرکردن است.

۱. محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، ص ۱۲۱.

۲. همان، ص ۶۵.

امام با عبارت «كَأَنَّ كُلَّ أَمْرٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسُهُ: گویی هر کدام امام خود هستند»، به ریشه بنیادین اختلاف یعنی خودمحوری و خودرایی اشاره می‌کنند که موجب گسستن از دو منبع اصلی هدایت است: ۱. پیروی نکردن از پیامبر ﷺ: «لَا يَقْتَصُونَ أَثَرَنِي: گام در جای گام پیامبر نمی‌نهند». ۲. اقتدا نکردن به وصی و امام: «لَا يَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِي: از عمل جانشین معصوم پیامبر پیروی نمی‌کنند». این گسست افزون بر اینکه جامعه را از منبع یقینی و عینی هدایت محروم می‌نماید و هر فرد را به منبع ناقص خودش مشغول می‌کند، درحقیقت معیار حق و باطل، خواست‌ها و فهم‌های شخصی می‌شود: «المعروف فيهم ما عرفوا، والمنكر عندهم ما أنكروا»؛ یعنی در مشکلات به جای رجوع به عالمان ربّانی، به آرای شخصی متوسل شوند: «مفرعهم في المعضلات إلى أنفسهم».

راه درمان این بیماری، بازگشت به اطاعت و پیروی و رجوع به معصومان علیهم‌السلام به جای اعتماد مطلق به عقل ناقص و جایگزینی خودمحوری با خدامحوری و امام‌محوری است. این تحلیل نه تنها برای جامعه زمان امام، بلکه برای هر جامعه دینی در هر عصری درس‌های عبرت آموزی دارد.

بر همین اساس در قرآن نیز اطاعت از رهبری جامعه اسلامی تأکید شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا: ۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید. این بهتر و نیک فرجام‌تر است».

بر اساس این آیه که باید در برابر رهبری جامعه اسلامی (انبیا و اولی الامر) مطیع بود، اگر کسی این را برنتابد، درحقیقت در دام فتنه‌انگیزی و ایجاد تفرقه افتاده است. فتنه «شامیان» و «جنگ صفین» و ادعای واهی خونخواهی عثمان و بر سر نیزه کردن قرآن‌ها نمونه دیگری از این فتنه‌ها بود و هنوز شعله آن خاموش نشده بود، فتنه سوم از آن برخاست؛ گروهی از متنسکان جاهل و متعبدان بی فکر، زیر پوشش «حکم فقط حکم خداست»، آتش جنگ نهروان را برافروختند.<sup>۲</sup> این مسائل به خودرایی این افراد برمی‌گردند که موجب این فتنه و اختلاف شدند.

۱. نساء: ۵۹.

۲. ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین ﷺ، ج ۴، ص ۲۳۷.

**ج) تشّت صفوف و پراکندگی در جامعه اسلامی**

یکی از زمینه‌های تفرقه و اختلاف در جامعه، تشّت صفوف و پراکندگی بین مردم آن جامعه است. این مسئله در خطبه ۱۹۲ معروف به «خطبه قاصعه» تشریح شده است. امام علی علیه السلام پس از بیان سخنان پرمعنایی درباره اقوام پیشین و سرنوشت عبرت‌انگیز آنها، در بخشی از خطبه به نتیجه‌گیری می‌پردازد و بر عامل اصلی پیروزی و شکست که همان اتحاد صفوف و اختلاف است، انگشت می‌نهد و با تعبیرهای گوناگونی در ضمن هفت جمله، ابعاد وحدت کلمه را منعکس می‌کند و می‌فرماید:

فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتِ الْأَمْلَاءُ مُجْتَمِعَةً وَالْأَهْوَاءُ مُؤْتَلِفَةً وَالْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً وَالْأَيْدِي مُتَرَادِفَةً وَالسُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً وَالْبَصَائِرُ نَافِذَةً وَالْعَزَائِمُ وَاحِدَةً أَلَمْ يَكُونُوا أَرْبَاباً فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِينَ وَ مُلُوكاً عَلَى رِقَابِ الْعَالَمِينَ<sup>۱</sup>

بنگرید [اقوام پیشین] در آن هنگام که جمعیت‌هایشان متحد، خواسته‌ها هماهنگ، اندیشه‌ها معتدل، دست‌ها پشتیبان هم، شمشیرها یاری‌کننده یکدیگر، دیده‌ها نافذ و تصمیم‌ها یکی بود، چگونه بودند؟ آیا [در آن روز] آنها زمامدار اقطار زمین نبودند و بر مردم جهان حکومت نمی‌کردند؟!

امام علیه السلام در این عبارات زیبا و پرمعنا، اتحاد و اتفاق را در همه مظاهرش بیان می‌کند و آن را عامل سربلندی و حاکمیت و قدرت عظیم شمرده است: اتفاق در خواسته‌ها، اتفاق در برنامه‌ها و تصمیم‌ها، اتفاق در عمل، اتفاق به هنگام صلح و جنگ و در یک کلمه، اتحاد صفوف در جمیع مظاهر حیات. دلیل این سخن کاملاً روشن است؛ افراد هرکدام به‌تنهایی قدرت زیادی ندارند و همچون قطره‌ای هستند که اگر در بیابانی قرار گیرند، با یک تابش آفتاب و وزش باد بخار می‌شوند؛ ولی همین قطره‌ها هنگامی که به هم پیوستند، دریای خروشان را تشکیل می‌دهند که می‌تواند منبع هرگونه خیر و برکت باشد.

در ادامه این سخن، امام علیه السلام عامل اصلی شکست را یادآور می‌شود که همان اختلاف‌نظر و تشّت صفوف است و در ضمن پنج جمله به ابعاد مختلف آن اشاره می‌فرماید: «حال بنگرید که پایان کارشان به کجا کشید. در آن هنگام که در میان آنها جدایی افتاد، الفتشان به پراکندگی گرایید و اهداف و دل‌هایشان از هم دور شد و به گروه‌های مختلفی تقسیم شدند و در پراکندگی به نبرد با هم پرداختند. [آری، در این هنگام بود که] خدا لباس کرامت خود را از تشّان بیرون کرد

۱. محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، ص ۲۹۷.

و وسعت و شادابی نعمت را از آنها برگرفت. تنها چیزی که از آنها باقی ماند، سرگذشتشان در میان شما بود که درس عبرتی است برای عبرت‌گیرندگان<sup>۱</sup>.<sup>۱</sup> بنابراین هنگامی که نیروهای یک ملت در مسیر اختلاف گام بردارند، الفت و محبت به پراکندگی و عداوت تبدیل شود و آتش اختلاف کلمه و تفرق افکار از میان آنها زبانه کشد؛ از این رو به جای اینکه با دشمنی بجنگند که قصد نابودی آنها را دارد، به جنگ با خود می‌پردازند و نیروهایشان در این راه به هدر می‌رود. خداوند نیز دست مرحمتش را از سر آنها برمی‌دارد و لباس ذلت بر اندامشان می‌پوشاند.

#### د) وسوسه‌های شیطان

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۲۱ نهج البلاغه، از وسوسه‌های شیطان بر حذر می‌دارد؛ زیرا سرچشمه بسیاری از بدبختی‌ها و مشکلات، وسوسه‌های شیطان است. از جمله این مشکلات، ایجاد تفرقه در جامعه است. امام به همه یارانش هشدار می‌دهد که مراقب توطئه شیطان و طرق نفوذ او باشند.<sup>۲</sup> حضرت می‌فرماید:

إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَنِّي لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ  
الْفُرْقَةَ وَبِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ فَاصْدِفُوا عَنْ نَزْعَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ وَاقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاها إِلَيْكُمْ  
وَاعْقِلُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ.<sup>۳</sup>

شیطان راه‌های انحرافی خویش را برای شما آسان جلوه می‌دهد و می‌خواهد [رشته‌های محکم] دین شما را گره‌گرفته بگشاید و به جای اتحاد و هماهنگی، ایجاد تفرقه کند و به وسیله تفرقه، فتنه برپا سازد. حال که چنین است، از وسوسه‌ها و فریب‌های او روی بگردانید و نصیحت را از کسی که به شما هدیه می‌کند، پذیرا شوید و آن را محکم در درون جان خویش نگهداری کنید.

بر اساس این جمله، برنامه شیطان این است که به جای اتحاد و هماهنگی، ایجاد تفرقه کند: «و يعطیکم بالجماعة الفرقة»؛ همچنین به وسیله تفرقه، فتنه برپا سازد: «و بالفرقة الفتنة». برنامه شیطان این است که بیراهه‌های خطرناک را در نظر انسان، شاه راه مستقیم جلوه می‌دهد. قرآن مجید بر این معنا تکیه می‌کند که «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»؛<sup>۴</sup> از گام‌های شیطان پیروی

۱. همان.

۲. ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۵، ص ۲۲۵.

۳. محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج البلاغه، ص ۱۷۸.

۴. انعام: ۱۴۲.

نکنید». و در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup> و هر کسی از گام‌های شیطان پیروی کند، [گمراه می‌شود]؛ چراکه او به فحشا و منکر دعوت می‌کند». در سوره «مائده» می‌خوانیم: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ»<sup>۲</sup> شیطان می‌خواهد در میان شما عداوت و دشمنی ایجاد کند».

بدیهی است هنگامی که آتش اختلاف و نفاق در جامعه روشن شود، فتنه‌ها به دنبال آن آشکار می‌گردد و فتنه‌ها، دین و دنیای انسان‌ها را تباه می‌سازد. در ماجرای «صفین»، دقیقاً همین برنامه‌های شیطانی اجرا شد؛ نخست شیطان به آنها القا کرد که پذیرش حکمیت سهل‌ترین راه برای رسیدن به صلح و آرامش است؛ سپس آنها را به نافرمانی در برابر دستورات محکم امیر مؤمنان علیه السلام در زمینه جهاد دعوت نمود و به دنبال آن تفرقه و نفاق در آن لشکر عظیم افکند که نتیجه آن فتنه خوارج بود.

سپس امام علیه السلام برای اینکه اصحاب و یارانش در این دام نیفتند، می‌فرماید: حال که چنین است، از وسوسه‌ها و فریب‌های او روی بگردانید و نصیحت را از کسی پذیرا شوید که به شما هدیه می‌کند و آن را محکم در درون جان خویش نگهداری کنید: «فَاصْدِقُوا عَنْ نَرَايَةِ وَ نَفَاثَةِ وَ اقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاكُمْ إِلَيْكُمْ وَ اغْلُظُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ»<sup>۳</sup>.

## کتاب‌نامه

### قرآن کریم

۱. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، چ ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ترجمه: حسین انصاریان، چ ۱، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸ ش.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، چ ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.

۱. بقره: ۱۶۸-۲۰۸.

۲. مائده: ۹۱.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة، نهج البلاغة، ص ۱۷۸.